کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب شرح دیوان منسوب به علی علیه السلام

مؤلف متن ~~حسین بن معین الدین~~ محشی

شارح حسین بن معین الدین میبدی مترجم

تاریخ تحریر نوع خط نستعلیق تحریری تعداد سطر ۲۰

جزء کتب / رسائل زبان عربی عدد اوراق ۱۰۲

طول ۲۰ عرض ۱۱/۵ شماره عمومی ۲۲۸۳۸

وقف / خریداری: وقفی حاج سید عبدالباقی آیة الله شیرازی تاریخ اسفند ۱۳۷۴

ملاحظات: جداول اوراق مطلا و تحریر ... و اشکال تحریر ... مطلا و تحریر و مطالب ... نستعلیق جلیس ... کاغذ نخودی، جلد تیماج ضربی دو رو ...

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

مخفی نماناد اینکه عقد شراکت و مضاربه واقع شد فیمابین
جناب مستطاب آقا سید مهدی و آقا ملا علی اکبر بتاریخ ۲ شهر
ربیع الثانی و مال المضاربه مبلغ چهل لیره عثمانی از جناب
آقا ملا علی اکبر و عمل از جناب آقا سید مهدی و در ضمن عقد
شرط شد که نفع و ضرر از طرفین بالمناصفه باشد و صیغه مضاربه
بالفارسیه و العربیه جاری گشت

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم رب یسر

سپاس سعادت اساس و شکر عباداتی لباس معبودی را که اعلام نبوة و ولایة در میدان فتوة و هدایة برافراشته است و ارقام حقایق انجام حدس و الهام بر صحایف قلوب علما و الواح ارواح حکما نگاشته پس ای نور تو در حلقه شبستان ماه و منظر حشم اهل عرفان ناظر عالم همه ز نور تو روشن گشته هم اول این سلسله هم آخر و درود نجیب و درود بر انبیا و اولیا که برای تکمیل خلایق و تحصیل حقایق کمر اجتهاد در میان جان بسته‌اند و جهنام مناهی و ملاهی را بنصرت و تایید الهی شکسته خاصه بر حضرت مصطفی که بی منت کسی از سرچشمه فیض اقدس استفاضه نموده و ابواب عنایت سرمدی بر روی مبتدی و منتهی گشوده پس ابن ورکه از بده شده توضیح قلم در بزم عیان بهاد نور تو قدم کرده‌اند محققان سر از قدم بر صفحه دل حرف فنای تو رقم و بر آل ولایة مآل و اصحاب هدایة مآب آنحضرت که بتقبیل خاک آستان او سر مباهات بر فرق سن مجید سوده‌اند و بر سریر امامت و خلافه متمکن بوده و در مدینه رحمه و راه متوطن بوده از فراق مراحل طریقه و مجاوران منازل حقیقه مخفی نیست که علم روشن‌تر ستاره‌ایست که در آسمان انسان تابد و نام کبر غنچه‌ایست که در چمن حقیقت او شکفتن یابد مر نفس ناطقه که بر نور حکمه راسخه گشت در سلک و رشته ست وارقام سعادة ابدی بر جبین استعداد او نوشته علمی که تحلیه علم حالی نشده چون بدنیست که او را جان نیست و دل که بسکه دانش نرسیده از علی و آب
نظم الناس موتی و اهل العلم احیاء و الناس مرضی و هم فیهم اطباء و الناس ارض و اهل العلم فیه فیهم سماء نور و ما فی النور ظلماء و زمره العلم ربهم بالحق کلهم و سایر الناس فی التمثیل اعضاء علم مفتاح کنوز حقایق و مصباح رموز دقایق و نظام سلسله وجود و قوام مرتبه شهود است پس علم بکمال موقعه راه دهد علم دل پاک و جان آگاه دهد گرجان طلب کنی

کشته م
اما بعد م
از غایت قلبی

٥

تر اجاه دید و در حق طلبی تعاد بالله دید با و بحکم انا مدینه العلم و علی بابها که در جامع ترمذی مسطور است و انا میزان الحکمة و علی لسانه که در رساله عقلیه امام غزالی مذکور در طالبان طریق ایقان و شاربان رحیق عرفان واجبست که متوجه باشند بباطن ملکوت مواطن حضرت امیرالمومنین و امام المحسنین یعسوب الواصلین مطلوب الکاملین خورشید سپهر امامت جمشید سریر کرامت واقف معارج لاهوت عارف مدارج ناسوت منبع عیون مشاهده مجموع فنون مجاهده مظهر انوار فتوة مصدر آیات مروة فاتحه کتاب ولایة خاتمه مصحف وصایة دیباجه رساله هدایة عنوان صحیفه عنایة مرکز دایره سیادة قطب فلک سعادة شمع لگن فصاحت سرو چمن صباحت نمک خوان ملاحت ثمر نهار سماحت قاضی محکمه قضا و قدر صاحب راز حضرت سید البشر آینه اسما و صفات الهی لایق مرتبه خلافت و شاهی مخصوص بنص من کنت مولاه فعلی مولاه مخصوص بفضل انا اجتبته و لکن الله اجتباه اکه نه فقره ذو الفقار کلام او طبقه از طبقات فضای ارض عرب در هم شکست سلسله ایمان و ولایة بنقطه دل صاحب ایة او پیوست پس قنبر آن جوی سواد الوجه فی الدارین هست نور میگرد مدام از روی قنبر آفتاب لافتی الا علی در سینه خود نقش کرده و زنه ز بهر چه می بینیم فنا در آفتاب چون شود صوفی صفت صافی ز غیر مهر او حرفه از رق کند از چرخ ور بر آفتاب در قیامه چون رساند بشربه کوثر بخلق جام کردد بر کنار حوض کوثر آفتاب کر مثالی از رخش خواهم که سازم آشکار در خیال من شود هر دم مصور آفتاب کی رجوب باز کردیدی برای خاطرش کر نشد او را بجان منقاد و چاکر آفتاب نور می بخشد بخاص و عام عالم سر بسر گر شد مگر از خاک در کاهش منور آفتاب پای تا سر غرق نور موقت می بینمش گوییا زاییده با مهر ش ز مادر آفتاب آدم اولیا خاتم اصفیا صاحب اقسام مناقب با صباء اعلام مناصب اسد الله الغالب علی ابن ابی طالب سلام الله علیه و علی من تولی الیه دار ایمن او که مقبول بلغا ز مکه و یثرب و مسلم فصحای مشرق و مغرب است التمس اسرار دین و اقتباس

جمع مرد

انی اولی بکل مومن من نفسه گفتند آری فرمود اللهم من کنت مولاه فعلی
مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه پس عمر او را دید و گفت هنیئاً
یا ابن ابی طالب اصبحت و امسیت مولی کل مومن و مومنة و ثعلبی روایت کرده
که حضرت نبی صلعم این سخن بعد از آن فرمود که یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من
ربک وان لم تفعل فما بلغت رسالته نازل شد و بر اهل توفیق پوشیده نیست
که آیة النبی اولی بالمومنین من انفسهم وازواجه امهاتهم و اولوا الارحام بعضهم اولی

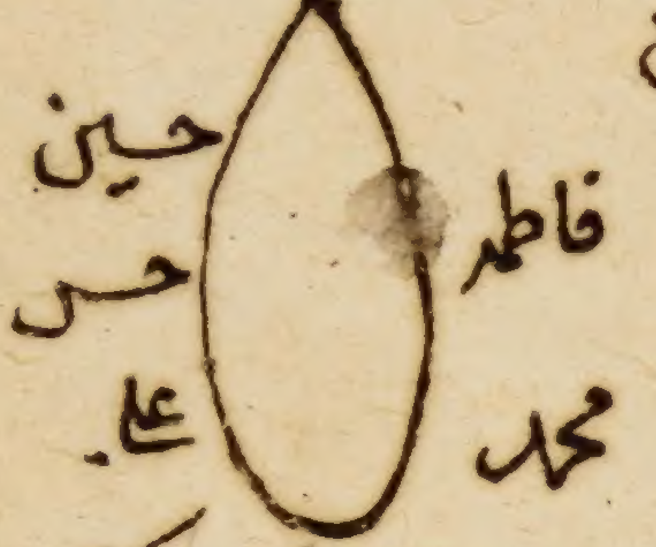
ببعض فی کتاب الله ملایم این حدیث
رسول صلعم است و الله اعلم

تم تم سوره الله
فی یوم الخمیس سابع شهر جمادی الاولی
سنه ۱۰۴

عز وجل

حدیث صحیح عن النبی صلی الله علیه و آله انه قال لما اراد الله ان یهلک قوم نوح علیه السلم
اوحی الله الیه ان شق الواح الساج فلما شقها لم یدر ما یصنع بها فهبط
جبرئیل علیه السلم واراه هیئة السفینة ومعه تابوت فیه مائة الف مسمار
وتسعة وعشرون الف مسمار فسمر بالمسامیر کلها السفینة الا ان بقیت
خمس مسامیر فضرب بیده الی مسمار منها فاشرق فی یده واضاء کما
یضیء الکوکب الدری فی افق السماء فتحیر لذلک نوح وانطق الله ذلک
المسمار بلسان طلق ذلق فقال علی اسم خیر الانبیاء محمد بن عبد الله فهبط
جبرئیل فقال له یا جبرئیل ما هذا المسمار الذی ما رایت مثله فقال هذا
باسم خیر الاولین والاخرین محمد بن عبد الله اسمره فی اولها علی جانب

علی جانب السفینة الیمنی ثم ضرب بیده علی مسمار ثان فاشرق وانار فقال
نوح وما هذا المسمار فقال مسمار اخیه وابن عمه علی بن ابی طالب علیه السلم فاسمره
علی جانب السفینة بالیسار فی اولها ثم ضرب بیده الی مسمار ثالث فزهر و
اشرق وانار فقال هذا مسمار فاطمة فاسمره الی جانب مسمار ابیها ثم ضرب
بیده الی مسمار رابع فزهر وانار فقال هذا مسمار الحسن فاسمره الی جانب
مسمار ابیه ثم ضرب بیده الی مسمار خامس فاشرق وانار وبکی فقال
یا جبرئیل وما هذه الندیة فقال هذا مسمار الحسین علیه السلم سید الشهدا
فاسمره الی جانب مسمار اخیه ثم قال النبی صلی الله علیه و آله وحملناه علی ذات
الواح ودسر فقال النبی صلی الله علیه و آله الالواح خشب السفینة ونحن الدسر
لولانا ما سارت السفینة باهلها تم الحدیث من اربعین العلامه الشیخ سلیمان
بن الشیخ عبد الله الماحوزی البحرانی قدس سره



یکتب هذا الشکل کما هو مکتوب هنا
فی کاغذ ویلصق فی صدر السفینة
عند الشدائد یکفیها سبب النجاة

[illegible]

[illegible] رضي الله عنه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]